

تحلیل لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیکِ رمان‌های عامه‌پسند با رویکرد نوشتار زنانه بر پایه مؤلفه‌های مکتب ناتورالیسم (مطالعه موردی: زخم خوردگان تقدیر اثر فهیمه رحیمی)

زهره تجدد^۱، مهیار علوی مقدم^{۲*}، محمود فیروزی مقدم^۱، علی صادقی منش^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

سال نوزدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۱۹، صص ۳۰۷-۲۸۹

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8140>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

هدف: هدف اصلی این مقاله، واکاوی چگونگی بازنمایی سرنوشت زنانه به عنوان امری جبری و ساختاری در رمان «زخم‌خوردگان تقدیر» اثر فهیمه رحیمی از طریق لایه‌های ایدئولوژیک و بلاغی متن است. این پژوهش بر تبیین ویژگی‌های قابل توجه ناتورالیسم اجتماعی در پرداختن به تجربه زنان در جامعه مردسالار، با تمرکز بر جبر زیستی، اجتماعی و وراثتی، متمرکز است.

روش‌شناسی: روش تحقیق به کار گرفته شده، تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با استدلال استقرایی، بر شواهد مثالی استخراج‌شده از بخش‌های مختلف رمان استوار است. تمرکز اصلی بر تحلیل لایه‌های بلاغی متن به منظور کشف جهان‌بینی ناتورالیستی است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که رمان به خوبی مؤلفه‌های ناتورالیسم اجتماعی را در بازنمایی سرنوشت قهرمان زن به کار می‌گیرد. در بررسی کلی آثار فهیمه رحیمی، مشخص شد که از مجموع هفت کتاب بررسی‌شده، تنها رمان «زخم‌خوردگان تقدیر» دارای مؤلفه‌های مکتب ناتورالیستی بود که محور این پژوهش قرار گرفت. نوشتار زنانه در این اثر، تجربه زیسته زنان را از طریق زبان عاطفی و روایت رنج و سکوت، به بیان می‌آورد.

نتیجه: تحلیل بلاغی متن نشان می‌دهد که استفاده از عناصر بلاغی نظیر تشبیهات، استعاره‌ها، لحن اندوهبار، تکرار شکست‌ها، سکوت‌های معنادار و کنایه‌های عامه‌پسند، شبکه‌ای را ایجاد کرده که حس جبر و حذف اراده زن را القا می‌کند. از منظر ایدئولوژیک، رمان هم‌زمان تقدیرگرایی را بازتولید و کلیشه‌های جنسیتی را تکرار می‌کند، اما با نمایش پیامدهای ویرانگر آنها، نقدی ضمنی بر ساختار مردسالار ارائه می‌دهد.

تاریخ دریافت: ۱۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۶ دی ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۳۰ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۵ اسفند ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

ناتورالیسم، نوشتار زنانه، فهیمه رحیمی، زخم‌خوردگان تقدیر، تحلیل بلاغی و ایدئولوژیک.

* نویسنده مسئول:

m.alavi.m@hsu.ac.ir

(۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the Elements of Naturalism in Popular Fiction Novels within the Framework of Rhetorical and Ideological Layers of Women’s Writing: A Case Study: *Zakhm-khordegān-e taghdir*(Wounded by Fate) by Fahimeh Rahimi

Z. Tajaddod¹, M. Alavi Moghaddam², M. Firouzi Moghaddam¹, A. Sadeghimanesh²

1- Department of Linguistics, Toh.C, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 05 December 2025

Reviewed: 06 January 2026

Revised: 20 January 2026

Accepted: 06 March 2026

KEYWORDS

Naturalism, Women’s Writing, Fahimeh Rahimi, Wounded by Fate, Rhetorical and ideologic Analysis.

*Corresponding Author

✉ m.alavi.m@hsu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The primary aim of this article is to explore how female fate is represented as a structural and inevitable force in Fahimeh Rahimi’s novel *The Fated Wounded* through the ideological and rhetorical layers of the text. This study focuses on elucidating the distinctive features of social naturalism in portraying women’s experiences in a patriarchal society, with an emphasis on biological, social, and hereditary determinism.

METHODOLOGY: The research employs a descriptive-analytical approach based on library-based studies. Data analysis is conducted qualitatively through inductive reasoning, relying on exemplary evidence extracted from various parts of the novel. The central focus lies on analyzing the rhetorical layers of the text to uncover the naturalistic worldview embedded within it.

FINDINGS: The rhetorical analysis reveals that the use of rhetorical elements such as similes, metaphors, a mournful tone, the recurrence of failures, meaningful silences, and folk allusions creates a network that conveys a sense of determinism and the exclusion of women’s agency. Ideologically, the novel simultaneously reproduces fatalism and reinforces gender stereotypes; however, by depicting their devastating consequences, it offers an implicit critique of the patriarchal structure.

CONCLUSION: The findings indicate that the novel effectively employs components of social naturalism in representing the fate of the female protagonist. An analysis of Fahimeh Rahimi’s broader oeuvre shows that among her seven studied works, only *The Fated Wounded* exhibits the hallmarks of the naturalist school, making it the focal point of this research. The female discourse in this work articulates women’s lived experiences through emotional language and a narrative of suffering and silence.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8140>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 3	 0

مقدمه و بیان مسئله

ناتورالیسم، به‌عنوان یکی از مکتب‌های تأثیرگذار ادبی، با تأکید بر نقش جبرهای زیستی، اجتماعی و محیطی در شکل‌گیری سرنوشت انسان، فرد را محصول نیروهایی میداند که فراتر از اراده شخصی او عمل میکنند. این نگرش، بویژه در بازنمایی وضعیت‌های حاشیه‌ای و تجربه‌های رنج، بستری مناسب برای تحلیل آثار ادبی فراهم می‌آورد که به زندگی طبقات فرودست یا گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده می‌پردازند. در ادبیات داستانی معاصر ایران، نوشتار زنان یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که در آن میتوان تلاقی ناتورالیسم اجتماعی با تجربه زیسته زنانه را مشاهده کرد؛ جایی که سرنوشت زنان در شبکه‌ای از عرف، خانواده و مناسبات قدرت گرفتار میشود. در ادبیات معاصر، نگرش ناتورالیستی به‌عنوان رویکردی که بر نقش جبرهای اجتماعی، محیطی و وراثتی در تعیین سرنوشت انسان تأکید دارد، به بررسی و بازنمایی واقعیت‌های تلخ زندگی می‌پردازد و فرد را در تعامل با نیروهای بیرونی قرار میدهد که انتخاب آزاد او را محدود میکنند. بر اساس تعاریف نظریه‌پردازان ادبی، ناتورالیسم نه تنها واقعیت را به شکل عینی و بدون آرمان‌گرایی نشان میدهد؛ بلکه اعتقاد دارد که شخصیتها تحت تأثیر نیروهایی فراتر از اختیار خود عمل میکنند و سرنوشت آنان از پیش تعیین‌شده به نظر میرسد.

در رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر اثر فهیمه رحیمی، به رغم قرارگیری اثر در گستره رمانهای عامه‌پسند، میتوان ردپای این مؤلفه‌های ناتورالیستی را در قالب عناصری چون جبر اجتماعی، تقدیرگرایی و بازنمایی رنج زنانه مشاهده کرد. این مؤلفه‌ها از طریق ابزارهای بلاغی و لایه‌های ایدئولوژیک متن به شکل خاصی بازتولید میشوند که برای فهم دقیق رابطه میان ساختار روایت، زبان بلاغی و جهان بینی سرنوشت‌گرا، نیاز به واکاوی عمیق‌تری وجود دارد. همچنین، در حوزه نوشتار زنانه، مسئله بازنمایی تجربه‌های زیست زنانه در مواجهه با ساختارهای اجتماعی مردسالار، یکی از موضوعات مهم نقد ادبی معاصر محسوب میشود؛ موضوعی که در کنار مولفه‌های ناتورالیستی میتواند به فهم بهتری از چگونگی شکل‌دهی سرنوشت شخصیت‌های زن در رمان کمک کند. از این‌رو، این پژوهش در پی آن است نشان دهد چگونه مؤلفه‌های ناتورالیسم در رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر از طریق لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک نوشتار زنان بازنمایی شده‌اند و چه نقش و جایگاهی در ساختار معنایی و جهان‌بینی اثر دارند. گفتنی است رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر، اگرچه غالباً در چارچوب ادبیات عامه‌پسند خوانده میشود، در لایه‌های زیرین خود واجد مؤلفه‌های برجسته‌ای از ناتورالیسم اجتماعی است. رمانهای عامه‌پسند، همواره از پایگاه مردمی و ویژه‌ای برخوردارند و بسیاری از دغدغه‌های مردم در لایه‌های مختلف جامعه در آثاری از این دست بازنمایی شده است. نگاه تقدیرگرایانه روایت، برجسته‌سازی نقش محیط و ساختارهای اجتماعی در شکل‌دهی به زندگی شخصیتها و بازنمایی مداوم رنج و ناکامی زنان، این اثر را به متنی مناسب برای واکاوی پیوند میان ناتورالیسم و نوشتار زنانه بدل میکند. در این رمان، سرنوشت زن نه نتیجه انتخاب آزاد، بلکه برآیند فشارهای اجتماعی و ایدئولوژیک است که به‌صورت گریزناپذیر بر زندگی او تحمیل میشوند.

پیشینه و روش شناسی پژوهش

بررسی‌های متعددی در حوزه ادبیات عامه‌پسند فارسی صورت گرفته است که عمدتاً بر جنبه‌های جامعه‌شناختی، ساختاری و محتوایی متمرکز بوده‌اند. کاظمی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «تحلیل و نقد جایگاه ادبی-اجتماعی رمانهای عامه‌پسند»، با تحلیل انتقادی جایگاه ادبی-اجتماعی این رمانها، رابطه معکوس و معناداری بین گرایش به این ژانر و پایگاه اجتماعی-اقتصادی مخاطب شناسایی کرد و تأثیر سطح تحصیلات را نیز برجسته ساخت. مرتضوی و

دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی تطبیقی شخصیت زن در آثار فهیمه رحیمی و دانیل استیل (مطالعه موردی: رمان پنجره و رمان طلوع عشق)»، با مقایسه تطبیقی دو رمان «پنجره» و «طلوع عشق»، دومی را در دسته آثار ناتورالیستی جای می‌دهند. فلاح و رضوانی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی جلوه‌های زنانه در رمانهای عامه‌پسند با تکیه بر فمینیسم (با تأکید بر آثار برگزیده فهیمه رحیمی، نسرین ثامنی و فتانه حاج‌سیدجوادی)» نشان دادند که جلوه‌های زنانه در آثار رحیمی، نوعی خودآگاهی محدود از جایگاه سنتی زن را بازتاب می‌دهد که فاقد گرایش به دیدگاه‌های افراطی فمینیستی است. رسولی و طاهری (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی و تحلیل تحولات ساختاری و محتوایی رمانهای عامه‌پسند در ایران» به دگرگونی‌های محتوایی و ساختاری، به‌ویژه در شخصیت‌پردازی و نوع نگاه به زن، اشاره کردند. عسگری و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مقاله «تحلیل سبک‌شناسی رمانهای پاورقی یا عامه‌پسند بر اساس نگاهی به رمان پاورقی تاریخی «حموبه» و بررسی شخصیت مرد در این اثر»، با تمرکز بر سبک‌شناسی، زبان ساده و دور از پیچیدگی این آثار را متناسب با مخاطب عام دانستند و عشق زمینی و وطن‌پرستی را به‌عنوان بن‌مایه‌های اصلی شناسایی کردند.

خلاء اصلی در ادبیات موجود، عدم وجود پژوهشی است که بطور جامع و نظام‌مند به مؤلفه‌های ناتورالیستی در رمانهای عامه‌پسند اجتماعی فارسی بپردازد. به‌طور خاص، اثری از یک نویسنده زن برجسته مانند فهیمه رحیمی، بر اساس تحلیل چندوجهی و ترکیبی لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک مورد واکاوی قرار نگرفته است. این کاستی، پژوهشگران را بر آن داشت تا با هدف واکاوی دقیق‌گفت‌مان ناتورالیستی غالب در این رمان، پژوهش حاضر را آغاز کنند.

بنیان روش‌شناختی تحقیق بر رویکرد تحلیلی-توصیفی استوار است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها با اتکا به روش تحلیل کیفی و با استفاده از روش استدلال استقرایی صورت پذیرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، رمان «زخم‌خوردگان تقدیر» اثر فهیمه رحیمی در نظر گرفته شد و حجم نمونه شامل بخشهایی از رمان بود که قابلیت استخراج شواهد عینی و مثالی مرتبط با واکاوی لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک مورد نظر را فراهم می‌آورد تا بتواند چارچوب نظری تحلیل ناتورالیستی رمان را محقق سازد.

چارچوب نظری پژوهش

رمانهای عامه‌پسند فارسی و پیوند با مکتب ناتورالیسم

موضوع رمانهای عامه‌پسند، معمولاً عشق، سرنوشت و مشکلات خانوادگی است؛ بررسی محتوایی این آثار نشان می‌دهد که تمرکز بر «واقعیت‌های عینی زندگی روزمره، به‌ویژه فقر، محدودیت‌های اجتماعی و نابرابری‌های طبقاتی» از ویژگی‌های برجسته آنهاست (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۲۱۶). این ویژگی‌ها به‌طور طبیعی، این رمانها را به الگوهای ناتورالیستی نزدیک می‌سازد، چرا که ناتورالیسم، که در آثار امیل زولا (مانند ژرمینال) متجلی شد، بر نمایش واقعیت بی‌پیرایه و تأثیر قاطع عوامل محیطی و اجتماعی بر سرنوشت تأکید دارد؛ عواملی که شخصیت‌ها در برابر آنها غالباً ناتوان و آسیب‌پذیر ترسیم می‌شوند.

در این چارچوب، شخصیت‌ها در رمانهای عامه‌پسند اغلب در شرایطی ترسیم می‌شوند که امکان انتخاب آزادانه برایشان محدود است و «انسان به‌عنوان محصول محیط، وراثت و شرایط اجتماعی معرفی می‌شود، نه موجودی کاملاً مختار» (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۱۸۹). این نگاه، ریشه در نسبت میان رئالیسم و ناتورالیسم دارد؛ ناتورالیسم به‌عنوان توسعه‌ای عمیق‌تر از رئالیسم، تأکید بیشتری بر جبر زیستی و محیطی می‌گذارد و این موضوع سبب می‌شود که این آثار به سمت نمایش تلخ‌یها و ناکامی‌های ناشی از نیروهای بیرونی گرایش یابند. همان‌گونه که حسینی

اشاره میکند، «مکتب ناتورالیسم از بطن رئالیسم پدید آمد و به همین سبب، این دو مکتب در میانی نظری و روش‌هایشان اشتراکات فراوان دارند» (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۰۵). بنابراین، بازنمایی فشارهای اقتصادی و ساختارهای سخت‌گیرانه‌ی اجتماعی در رمان‌های عامه‌پسند، تصویری واقع‌گرایانه و گاه تلخ ارائه می‌دهد که فراتر از سطح روایت‌های صرفاً احساسی است و با میانی‌تقدیرگرایی اجتماعی ناتورالیسم همخوانی دارد (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۲۰۲). رمان‌های عامه‌پسند را باید به‌عنوان اسنادی فرهنگی در نظر گرفت که سلیقه و نگرانی‌های بخشی از جامعه را منعکس میکنند؛ نادیده‌گرفتن آنها به معنای چشم‌پوشی از بخشی از تجربه فرهنگی جامعه است، چرا که «ادبیات عامه‌پسند نقش مهمی در شکل‌دهی به ذوق ادبی و نگرش فرهنگی مخاطبان ایفا میکند» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۴۸). در نهایت، پرداختن به این رمانها، به‌مثابه نمونه‌هایی از ناتورالیسم بومی، تلاشی علمی برای فهم عمیق‌تر ادبیات معاصر است، زیرا «ارزش یک متن ادبی صرفاً در پیچیدگی فرمی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه میزان پیوند آن با واقعیت اجتماعی نیز اهمیت دارد» (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۲۲۴).

رمان زخم‌خوردگان تقدیر: نمونه‌ای از ناتورالیسم اجتماعی

آثار فهیمه رحیمی، به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص ادبیات عامه‌پسند فارسی، بیشتر در چارچوب رئالیسم قرار می‌گیرند؛ اما رمان *زخم‌خوردگان تقدیر* نشان‌دهندهٔ گرایش‌های قابل‌توجهی به ناتورالیسم اجتماعی است. در این اثر، تأکید بر جبر اجتماعی، تأثیر محیط و شرایط اقتصادی و فرهنگی بر سرنوشت شخصیت‌ها و گریزناپذیری محدودیت‌های انسانی، از مشخصه‌های اصلی ناتورالیسم به‌چشم می‌آید. فهیمه رحیمی با استفاده از سبکی روان، قابل‌فهم و عامه‌پسند، نه‌تنها از پیچیدگی‌های فلسفی و فرم‌های کلاسیک ناتورالیسم اجتناب کرده، بلکه مفاهیم جبر‌باورانه را به‌خوبی به مخاطب عام منتقل کرده است. این امر باعث شده آثار او پیوندی میان رئالیسم و ناتورالیسم عامه‌پسند فارسی ایجاد کنند و جایگاه ویژه‌ای در ادبیات اجتماعی و زنانه معاصر ایران داشته باشند؛ بویژه در بازنمایی محدودیت‌ها و چالش‌های زنان در جامعه. به این ترتیب، رحیمی نه‌صرفاً نویسنده‌ای رئالیست است، بلکه وسیله‌ای برای آشنایی مخاطب عادی با آموزه‌های ناتورالیستی بوده و نقش کلیدی در توسعه رمان عامه‌پسند اجتماعی ایفا کرده است.

این رمان شامل سه داستان است: *فاخته*، *هدیه و پیرزن* (بی‌بی). داستان *فاخته* روایت دختری (نقش اصلی) است که در وضعیت مالی بسیار نامناسبی بسر میبرد و بعنوان خدمتکار برای گذران زندگی خانوادش وارد خانواده‌ای متمکن میشود؛ او در دل پسر آن خانواده (نقش فرعی)، که فردی منزوی و دارای اخلاق‌های منحصر‌بفرد است، جایی پیدا میکند و برای برقراری ارتباط با او مشکلات بسیاری را تحمل میکند. داستان *هدیه* نیز روایت دختری است که باوجود عشقش به پرویز، به‌دلیل تفاوت طبقاتی با او ازدواج نمیکند؛ اما پس از مدتی و به‌دلیل منافع مالی به او بازمیگردد و ازدواج میکند. با این حال، به‌دلیل ظلم و ستم او، جدایی و انزوا را انتخاب میکند. نقش پدر (نقش فرعی) در این رمان بسیار تأثیرگذار است. داستان *پیرزن* نیز حکایت دختر جوانی (نقش اصلی) است که عشقش منجر به ازدواج نمیشود و تا پایان عمر مجرد میماند. این حکایت برای خانواده‌ای جذاب و قابل‌شنیدن است که همسایه پیرزن میشوند.

کتاب *زخم‌خوردگان تقدیر* اثر فهیمه رحیمی از سه داستان *فاخته*، *هدیه* و *بی‌بی* تشکیل شده است. وجه تمایز این کتاب از دیگر آثار فهیمه رحیمی، وجود سه داستان در یک کتاب است که به خواننده امکان میدهد تنها در یک کتاب، سه داستان عاشقانه را بخواند. این رمان صراحتاً از ریشه‌های کهن و باورهای دیرین نسل‌های گذشته در خصوص جنسیت و فرودستی زنان سخن میگوید؛ که به یک جنسیت امتیاز ویژه‌ای داده و زن را به‌عنوان فرودست

همواره به حاشیه می‌راند. به‌طور کلی، مردان رمان اغلب نماد قدرت، محدودیت و جبر محیطی هستند و سرنوشت شخصیت‌های زن را تعیین می‌کنند. آنها نمایانگر آن دسته از نیروهای بیرونیند که در ناتورالیسم، انسان را در مقابل آنها ناتوان و تسلیم نشان می‌دهند؛ بنابراین، روابط میان مردان و زنان در رمان، بازتاب جدال میان اراده فردی و جبر اجتماعی است و ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی را به تصویر می‌کشد.

بحث و بررسی و تحلیل داده‌ها

ادبیات عامه‌پسند فارسی همواره بازتاب‌دهنده زندگی روزمره، مناسبات انسانی و مسائل اجتماعی بوده است. رمان زخم‌خوردگان تقدیر نمونه‌ای بارز از تلفیق رئالیسم با گرایش‌های ناتورالیستی در نوشتار زنانه است؛ جایی که جبر اجتماعی، محدودیت‌های محیطی و فشارهای اقتصادی و فرهنگی، به‌ویژه بر زندگی زنان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در این پژوهش تلاش شده است مؤلف‌های ناتورالیسم در رمان‌های عامه‌پسند (مطالعه موردی: رمان زخم‌خوردگان تقدیر) از راه تحلیل لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک نوشتار زنانه واکاوی شود. هدف این است که به بررسی درون‌مایه‌ها، شخصیت‌ها و روابط آنها و نحوه تأثیر محیط و ساختارهای اجتماعی بر سرنوشت شخصیت‌ها پرداخته شود و نشان داده شود چگونه نوشتار زنانه می‌تواند بازتاب‌دهنده نگرش‌های ناتورالیستی باشد و جایگاه زنان و محدودیت‌های آنها در جامعه ایرانی را به تصویر بکشد. این دو لایه بلاغی و ایدئولوژیک، به پژوهشگر در تحلیل گفتمان رمان‌نویسی زنان ایرانی در چارچوب رمان‌های عامه‌پسند یاری می‌رسانند؛ درعین حال، تحلیل لایه‌های واژگانی، واکاوی لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک را دقیق‌تر و استوارتر می‌کند. از این‌رو، در وهله نخست به بررسی لایه‌های واژگانی رمان زخم‌خوردگان تقدیر پرداخته شده است.

لایه واژگانی

در رمان زخم‌خوردگان تقدیر، بازتاب واژگان، نگرش‌های ایدئولوژیک فهیمه رحیمی را نمایان می‌سازد؛ چرا که مصالح اولیه هر اثر، دایره واژگان نویسنده است (ر.ک. مهری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۴). وجه غالب در لایه واژگانی این رمان، نگرشی اجتماعی با تمرکز بر دغدغه‌های زنانه است که از طریق واژگان عینی و نشاندار بازتاب یافته است. ویژگی شاخص این واژگان، عینی و محسوس بودن و نشاندار بودن است؛ در آثار ناتورالیستی، نشاندار بودن به معنای ارائه مستقیم واقعیت‌ها و جزئیات دقیق محیط و رفتارهاست تا تأثیر جبر اجتماعی ملموس شود. همچنین، عینی بودن بر ارائه جزئیات واقع‌گرایانه تأکید دارد تا خواننده شرایط شخصیت‌ها را به‌طور واقعی دریابد. ترکیب این دو ویژگی، آثار را مستندگونه کرده و با استفاده از واژگان مرتبط با احساسات منفی، درک مخاطب از سختی‌ها و محدودیت‌های ناشی از جبر محیط را افزایش می‌دهد و مقولات ذهنی را به محسوسات بدل می‌کند.

لایه واژگانی در رمان زخم‌خوردگان تقدیر در چهار مورد قابل بررسی است:

الف. احساسات منفی در کنار عشق و امید عبث و واهی؛

ب. اعتقاد به جبر تقدیر؛

پ. کاربرد گسترده رنگ‌ها (سیاه، سفید و قرمز در این رمان)؛

ت. جامعه مردسالار.

الف. در این رمان، واژگان مربوط به خشم و عصبانیت (۴۶ بار)، وحشت، ترس، اضطراب و هراس (۵۷ بار)، نگرانی و دلشوره (۱۷ بار)، شرم، حیا و خجالت (۱۲ بار)، درد، رنج، غم و اندوه، غصه و ناراحتی (۱۳۵ بار) و شک و تردید

(۲۷ بار) آمده است. همچنین واژه‌های مربوط به عشق، امید، رویا و خیال (۱۰۴ بار) نیز مشاهده میشوند که نمونه‌های زیر انتخاب شده‌اند:

• **غم و اندوه زنان در جامعه و بتنهایی بار غم را به‌دوش گرفتن:** «هنگامه را در غم هجران تنها گذاشت» (رحیمی، ۱۳۷۷: ۸۷)؛ «هیچکس نبود او را از غم و اندوه برهاند» (همان: ۱۱۵)؛ «خود را از حصار غم گرفته این خانه نجات دهد» (همان: ۳).

• **احساس ترس و دلهره در زنان در شرایط سخت و احساس شرم و خجالت و فرونشاندن خشم زنان در جامعه:** «ترس و دلهره وجود فاخته را در برگرفته بود و به دنبال گریز میگشت» (همان: ۴۲)؛ «شرمنده شدم و با خجالت گفتم سرنوشت قشنگی دارید» (همان: ۱۵۹)؛ «فاخته خشمش را با صدایی که در دل شب به‌گوش خودش میرسید، فرونشاند» (همان: ۴۳).

• **عشق اشتباه و بی‌نتیجه از دیدگاه خانواده و زیر سنتها:** از ویژگیهای احساسی این رمان است: «عشق در نوجوانی مثل حباب روی آب است و زود فراموش میشود» (همان: ۸۶)؛ «عشق و احساس خود را در مفاک تعصب پدر دفن کرد» (همان: ۸۷).

• **وجود آرزوها و امیدهای واهی و عبث:** امیدها در این رمان باعث ایجاد تلاش و کوشش فراوان، مبارزه با مشکلات و طی کردن مسیر برای رسیدن به هدف میگردد؛ اما اغلب مغلوب ناامیدی میشود: «به امید عبثی که او را خواهد دید» (همان: ۸۷)؛ «در دل آرزو کرد که ای کاش میتوانست همچون آنها به پرواز درآید» (همان: ۳)؛ «آرزو کرد که روزی بتواند برای خانواده‌اش وسیله آسایش فراهم کند» (همان: ۱۷).

استفاده همزمان از واژه‌های منفی مانند غم، اندوه، خشم، شک، ترس و تردید، در کنار مفاهیم ذهنی مانند عشق، خیال و رویا، یکی از تکنیکهای مهم فهمیه رحیمی در رمان زخم‌خوردگان تقدیر است که به بازنمایی ناتورالیستی اثر کمک میکند. این ترکیب دو جنبه را تقویت میکند:

اول، جنبه ناتورالیستی و جبرباورانه زندگی شخصیتها: این جنبه با واژه‌های منفی برجسته میشود. استفاده از واژه‌هایی با بار منفی و فشار روانی، مانند شک و تردید، خشم و اندوه، نشان میدهد که شخصیتها تحت تأثیر محیط، محدودیتهای اجتماعی و اقتصادی و روابط مردسالارانه قرار دارند؛ اراده آنها برای تغییر سرنوشت محدود و ناکام است. این ویژگی یکی از پایه‌های ناتورالیسم است؛ یعنی تأکید بر تأثیر محیط و شرایط بیرونی بر سرنوشت انسانها.

دوم، تضاد میان خواسته‌ها و واقعیت: حضور هم‌زمان مفاهیم مثبتی مانند عشق، خیال، امید و رویا (که امیدی عبث است) تضاد میان آرزوهای فردی با محدودیتها و فشارهای محیطی را آشکار میکند. این تضاد باعث میشود ناتورالیسم رمان تنها یک بازنمایی خام از رنج و محدودیت نباشد؛ بلکه نشان‌دهنده کشمکش انسانی میان امید، آرزو و جبر محیط نیز باشد. در نتیجه، احساسات مثبت و ذهنی مانند رویا و عشق، در کنار احساسات منفی، تجربه زندگی را واقع‌گرایانه و ملموس میسازد و خواننده میتواند همزمان با درک فشار محیطی، با آرزوها و خواسته‌های ناکام شخصیتها همذات‌پنداری کند.

به بیان دیگر، همزمانی این واژه‌ها، هم «نشاندار» و هم «عینی» بودن رمان را تقویت میکند: واژه‌های منفی شرایط بیرونی و محدودیتها را عینی و ملموس میسازند، و واژه‌های مثبت مانند عشق و رویا، افکار و آرزوهای شخصیتها را نشاندار میسازند. این تعامل، رمان را به نمونه‌ای کامل از ناتورالیسم در ادبیات عامه‌پسند فارسی تبدیل میکند.

زیرا هم جبرباورانه بودن سرنوشت شخصیتها و هم کشمکش انسان با شرایط محیطی و اجتماعی را به تصویر میکشد.

ب. اعتقاد به سرنوشت، تقدیر، خواست خداوند و دعا: علت مشکلات اغلب بر دوش تقدیر گذاشته شده است؛ واژه «تقدیر و سرنوشت» (۱۶ بار) در این رمان آمده است. «زخم‌خوردگان تقدیر» (نام رمان) (همان: ۲)؛ «چه سرنوشتی در انتظار من و خواهرانم بود؟» (همان: ۸). او نظام را مقصر نمیدانست و برای عمل پدرش نیز دلایل را کافی میدانست. با خود گفت: «این بازی تقدیر است و من نیز در این راه قربانی گشته‌ام» (همان: ۱۱۵). «خواست خدا نبود که او خوب شود» (همان: ۶)؛ «خدا کمکم خواهد کرد» (همان: ۷۱)؛ «دعا میکنم فاخته موفق شود» (همان: ۴۱).

واژه‌ها و تعبیرهای مرتبط با جامعه مردسالار در آثار ناتورالیستی نقش مهمی در بازنمایی جبر اجتماعی و محدودیتهای تحمیل‌شده بر شخصیتها، بویژه زنان، ایفا میکنند. این واژگان با برجسته‌سازی روابط نابرابر قدرت و سلطه مردانه، نشان میدهند که سرنوشت شخصیتها نه بر پایه انتخاب آزاد، بلکه تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شکل میگیرد و از این طریق نگرش ناتورالیستی اثر را تقویت میکنند.

پ. رنگها: در این رمان، رنگهای قرمز (سرخ) (۳۹ بار)، سیاه (مشکی) (۲۳ بار) و سفید (۱۰ بار) بیشترین کاربرد را دارند. نمونه‌های کاربرد: «خط قرمز» (همان: ۱۴)؛ «خط قرمز» (همان: ۴۹)؛ «چراغ قرمز» (همان: ۸۲)؛ «لباس سیاه رنگ» (همان: ۲)؛ «میز سیاه رنگ» (همان: ۱۲)؛ «بلوز سپید رنگ» (همان: ۸).

رنگهای سیاه، سفید و قرمز در آثار ناتورالیستی نقشی معنادار و فراتر از توصیف ظاهری دارند و در انتقال نگرش واقع‌گرایانه و جبرباورانه این مکتب مؤثرند. «رنگ سیاه نماد عزا و اندوه است. سیاه تیره‌ترین رنگ است. سیاه بیانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف میگردد و لذا بیانگر فکر پوچی و نابودی است و در مقابل آن رنگ سفید است. سفید به صفحه خالی میماند که باید روی آن نوشت. سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد» (لوشر، ۱۳۷۳: ۹۷). رنگ سفید اغلب در تقابل با سیاه به کار میرود و «نشانه پاکی، روشنی، صداقت، هدایت، سعادت، آزادی، حق، عدالت و عظمت است» (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۶۹). این رنگ بی‌پناهی یا امیدی شکننده است که در برابر واقعیت خشن زندگی دوام نمیآورد. «قرمز رنگ عشق و زندگی است. ادراک حسی آن به صورت میل و اشتها ظاهر میشود» (لوشر، ۱۳۷۳: ۸۷). در مجموع، این رنگها با ایجاد تصاویر عینی و محسوس، در کنار عشق و احساس، فضای تلخ و واقع‌گرایانه ناتورالیسم را تقویت میکنند.

ت. واژگان مربوط به جامعه سنتی و مردسالار: واژه‌های این بخش در مجموع (۷۵ واژه) است که واژه‌های مربوط به اطاعت و مطیع (۴ بار) و مربوط به ظلم، ستم، زور و اجبار، اسیر و اسارت و بی‌پناهی (۷۱ بار) آمده است. در جامعه مردسالار این رمان، پدر به جای شخصیت زن داستان، همسر را انتخاب میکند و تصمیم میگیرد؛ و در نهایت نیز شوهر برهم‌زننده زندگی مشترک است و اوست که در رفتارهای نامناسب با زن، اختیار عمل دارد: «آیا تو هنگامه را مانند یک زندانی در بند شده اسیر، به همراه آورده‌ای؟» (همان: ۱۱۴)؛ «چند لحظه خود را به جای خواهر بیچاره من بگذار. آیا به من حق نمیدهی که او را نابود کنم؟» (همان: ۸)؛ «تو را خریدم تا هر لحظه شاهد زجر کشیدنت باشم و بدینوسیله خودم را ارضا کنم (اسارت)» (همان: ۱۰۸)؛ «عشق و احساس خود را در مغاک تعصب پدر دفن کرد» (همان: ۸۷)؛ «قوانین خانواده اجازه نداد تا به سبک بانوان درآیی» (همان: ۹۴)؛ «حالا برو آماده شو. می‌خواهم تلفن کنم و عاقد را دعوت کنم» (همان: ۱۰۳).

واژه‌ها و تعبیرهای مرتبط با جامعه مردسالار در آثار ناتورالیستی نقشی اساسی در بازنمایی جبر اجتماعی و محدودیت‌های تحمیل شده بر فرد، بویژه زنان، دارند. این واژه‌ها با برجسته‌سازی روابط نابرابر قدرت، سلطه مردانه و ساختارهای سنتی خانواده و جامعه، نشان می‌دهند که سرنوشت شخصیت‌ها نه حاصل انتخاب آزاد، بلکه پیامد مستقیم شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم است. کاربرد این واژه‌ها سبب میشود نابرابری جنسیتی و فشارهای اجتماعی به‌صورت عینی و محسوس در متن حضور یابد و مخاطب تأثیر محیط مردسالار را بر زندگی و تصمیم‌های شخصیت‌ها بروشنی درک کند؛ از اینرو، زبان روایت به ابزاری برای نمایش جبر محیطی تبدیل میشود و نگرش ناتورالیستی اثر، از طریق نشان دادن سلطه ساختارهای مردسالار بر سرنوشت انسانها، تقویت میگردد.

لایه بلاغی

با استفاده از آرایه‌های ادبی لفظی و معنوی، مرزهای تخیل شاعر تا بی‌نهایت گسترش پیدا میکند و بر جذابیت اثرش افزوده میشود. این آرایه‌ها، رمان‌نویس را در بیان واقعیت‌های جامعه توانمندتر میکند. «فنون بلاغی صرفاً با چگونگی بیان اندیشه‌ها سروکار ندارند، بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیر می‌گذارند» (سجودی، ۱۳۸۷: ۵۲). بنابراین، با تحلیل بلاغی یک اثر، پی‌بردن به سبک مؤلف، منظومه فکری و تمهیدات ادبی مورد استفاده او فراهم میگردد.

لایه بلاغی سبک هم بر برون‌زبان اثر تأثیر می‌گذارد و هم بر درون‌زبان آن. منظور از بلاغت در برون‌زبان، آن دسته از مؤلفه‌هایی است که صورت زبان را برجسته میکند و به آن وجوه ادبی می‌بخشد. از این دسته با نام آرایه‌های بدیعی یا صناعات بدیعی یاد میشود (مهری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶۸).

در بین مصداق‌های برون‌زبان، تشبیه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تصویرپردازی و تخیل، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. «دو شاخه بلاغت و سبک‌شناسی تا آنجا درهم‌تنیده‌اند که تمهیدات بلاغی و صناعات بدیعی را تمهیدات سبکی نیز مینامند. تمهیدات سبکی (آرایه‌های بلاغی یا صنایع بدیعی) نه‌تنها برای تحلیل متن، بلکه برای آفرینش متن خلاقه نیز آموزش داده میشوند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). بنابراین، نویسنده‌ای که از آرایه‌های ادبی در داستان خود استفاده میکند، جنبه‌های ادبیت متن خود را تقویت میکند و امکان رسیدن به تحلیلی جدید از اثر خلق‌شده را از سوی مخاطب فراهم می‌آورد.

الف. کاربرد تشبیه و استعاره

تشبیه یکی از اصلیت‌ترین صور خیال است که شاعر با آن میتواند ارتباط میان پدیده‌های گوناگون را تقویت کند و حس زیبایی‌شناسانه شنونده را به اقتناع برساند. فهیمه رحیمی نیز از ظرفیتهای این آرایه در رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر استفاده کرده است. او با کاربست تشبیه‌های زودپای و ساده‌فهم و ایجاد حالت مقایسه‌ای میان مشبه و مشبه‌به، به تداعی مفهوم اصلی که در ذهن دارد، یاری رسانده است. بخش قابل توجهی از تشبیه‌های به‌کار رفته در رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر، سویه‌های عاشقانه و زنگاریانه دارند. این تشبیهات که غالباً حسی و ساده هستند، از عمق معنایی کمتری برخوردارند. تشبیهاتی از این دست، بیانگر جهان محسوس درون شخصیت و نویسنده داستان هستند. در رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر، همانند رمان‌های دیگر، بیشتر از تشبیهاتی استفاده میشود که مربوط به واژگان احساسی و عاطفی باشد. همانطور که در بخش واژگان به آن پرداخته شد، از میان این تشبیه‌ها، مواردی که مربوط به غم و رنج، ناامیدی و افسردگی است، بیشتر آمده و سپس تشبیه‌های مربوط به جامعه مردسالار و خانواده سنتی قرار دارند که باعث تسلیم، سرکوب زن و تحمل و سکوت او میگردد. واژه‌های احساسی در بخش

مربوط به جامعه‌ی مردسالار کمتر دیده می‌شوند. در این رمان از تشبیه‌ها (۳۱ بار) و از استعاره‌ها (۲۱ بار) استفاده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های بلاغی (استعاره و تشبیه) زخم خوردگان تقدیر

ویژگی بلاغی	مثال متن	صفحه	تحلیل
تشبیه ظاهری نمایش احساسات	"فاخته چون صاعقه از جا جهید"	۸۲	تشبیه فاخته به صاعقه در جمله اول، که نشان از ترس دارد. تشبیه سایه‌ها به اشباح در جمله دوم که نشان از ترس و وحشت زن دارد. و تشبیه من (زن) به تکه برف اب شده در جمله سوم که شرم و حیا را منتقل می‌کند.
	"سایه‌های نامفهومی چون اشباح به نظر میرسیدند"	۸۵	
	"در زیر نگاه او چون تکه برفی آب شدم"	۱۲۵	
تشبیه ظاهری (رنگها) نمایش شرم وناراحتی	صورتش مثل پول سرخ شده بود	۱۶۰	تشبیه صورت به پول و لبو که با استفاده از رنگها است و شرم و حیا یا ناراحتی را منتقل می‌کند.
	صورتش مثل لبو سرخ شده بود	۱۶۶	
تشبیه نمایش مقاومت در برابر سنتها	"عشق در نوجوانی مثل حباب روی آب است"	۸۶	تشبیه عشق به حباب روی آب در جمله اول، تشبیه عشق به بازی با آتش و راه رفتن روی یخ در جمله دوم و تشبیه غم عشق به خوره در جمله سوم نشان از انتخاب و تصمیم‌گیری خانواده‌ها در ازدواج و تحمیل آن به دختران و تسلیم کردن آنها و مقاومت خانواده‌ها در برابر عشق که در نهایت نوعی نقد و مقاومت در برابر خانواده‌های سنتی محسوب می‌شود.
	"پدرش عشق را بازی با آتش میدانست ومادرش تعبیری	۸۶	

		چون راه رفتن روی یخ"	
	۱۳۵	"یک چیز دیگر هم هست که مثل خوره مرا میخورد با اینکه میدانم به همسر تحمیل شده‌ام اما دوستش دارم"	
تشبیه ظاهر(زن) به برکه و تشبیه درون به رودخانه در جمله اول که نشان از تحمل درد و رنج و سکوت در برابر آن را دارد. تشبیه آه به بخار و سینه به کوه آتشفشان در جمله دوم و تشبیه غم به حصار در جمله سوم، نشان از غم و اندوه فراوان دارد. تشبیه زن به انسان مسخ شده در جمله آخر نشان از ناامیدی و افسردگی دارد.	۸۵	"ظاهرش چون برکه آرام و درونش چون رودخانه‌ای در تلاطم بود"	تشبیه نمایش غم و ناامیدی
	۸۶	"آههایی که از سینه برمی کشید هم چون بخاری بود که از کوه آتشفشان خارج میگردد"	
	۳۰		

		"حصار غم"	
	۸	"(زن) همچون انسانهای مسخ شده، اتاق را ترک کرد"	
تشبیه مرد به سلاطین پیروز در جمله نخست، تشبیه من (زن) به تکه سنگ در جمله دوم، و تشبیه تو (زن) به مجسمه در جمله سوم، همگی نشان‌دهنده تحکم و سلطه مرد بر زن و پذیرش این سلطه از سوی زنان در متن رمان است. سنگ سرد و مجسمه در ادبیات زنانه، علاوه بر القای حس ایستایی و بی‌جان بودن، بار احساسی زیبایی خاموش و غم‌فروخورده را منتقل میکنند و در این بستر بار معنایی ویژه‌ای پیدا میکنند.	۱۰۳ ۱۲۶ ۱۱۸	"من این مردی را که در مقابل شما مثل سلاطین پیروز است دوست ندارم" "در مقابل سخنان عتاب امیز پدرش چون تکه سنگ سرد و بی‌روح نشسته بود" "تو (زن) همچون یک مجسمه فقط به دهان پدرت نگاه کردی"	تشبیه نمایش سلطه
تسلط مرد بر شخصیت زن و پذیرش این سلطه از سمت زنان.	۸۷	"عشق و احساس خود را در مفاک تعصب پدر دفن کرد"	استعاره نمایش سلطه

در زخم‌خوردگان تقدیر، استعاره‌ها و تشبیه‌ها در خدمت نگاه ناتورالیستی اثر قرار دارند و جهان داستان را تابع جبر، وراثت و محیط نشان میدهند. انسانها اغلب با تصاویر طبیعت خشن یا اشیای فرسوده تشبیه میشوند تا ناتوانی آنها در برابر سرنوشت برجسته شود. این تشبیه‌ها و استعاره‌ها نه تنها رنج، ترس و وحشت فردی، بلکه تأثیر نیروهای بیرونی و غیرقابل‌کنترل بر زندگی شخصیتها را القا میکنند. در مجموع، این آرایه‌های ادبی به جای زیباسازی،

واقعیتی تلخ و جبری را بازنمایی میکنند و با اصول ناتورالیسم، یعنی نفی اراده آزاد و تأکید بر جبر محیط و سرنوشت، همراستا هستند.

ب. کنایه

بکارگیری کنایه، صراحت کلام را کاهش میدهد و متن را چندلایه و پیچیده میکند. این آرایه «یکی از صورتهای بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۴۰) و زمانی نمود پیدا میکند که شاعر، اصطلاحات قاموسی زبان را کنار میگذارد و دوپهلوی سخن میگوید تا نظر مخاطب را جلب کند. کنایه‌هایی که فهمیه رحیمی در رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر به کار برده است، در مواردی نوآوری دارد و کاملاً ساده‌یاب نیست. در واقع، او با تکیه بر گفتار روزمرهٔ شخصیت‌های خود، کنایه‌هایی را در متن به کار میبرد که ریشه در دوران معاصر دارد و به گوش مخاطبان چندان آشنا نیست، اما این نوآوری به گونه‌ای نیست که موجب بیگانگی خواننده با متن شود؛ زیرا زمانی که کنایه‌ها در بافت متن قرار میگیرند، مفهوم مورد نظر را به مخاطب انتقال میدهند. هدف فهمیه رحیمی این بوده است که بر زمینهای زیبایی‌شناسانهٔ داستان بیفزاید و صرفاً به دنبال قدرت‌آزمایی ادیبانه نبوده است.

جدول ۲. ویژگیهای بلاغی (کنایه) زخم‌خوردگان تقدیر

صفحه	مثال متن	مفهوم کنایی	تحلیل
۷۶	عشق وجود فاخته را گرم کرد	عاشق شدن	اشاره به عاشق شدن زن
۸۶	عشق در نوجوانی مثل حباب روی آب است	فراموش شدن عشق از دیدگاه خانواده	نمایش عشقهای زودگر در ایام نوجوانی از نظر خانواده سنتی
۳۸	عشق راه رفتن روی یخ است	خطرناک بودن عشق از دیدگاه خانواده	ناپایدار بودن و خطرناک بودن عشق از دیدگاه خانواده
۶۷	آب از سرش گذشت	به اوج مشکلات رسیدن	نمایش نقطه‌ای که فرد (زن) دیگر نمیتواند چیزی را تغییر دهد
۱۵۶	نمیتوانست بپذیرد عشقی که ریشه در جان دوانده به اسانی ریشه کن گردد	عاشق شدن و از بین بردن عشق در وجود خودش	نمایش ناتوان بودن در از بین بردن عشق در جامعه

در رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر، کنایه‌ها ابزاری برای نمایش نگاه ناتورالیستی نویسنده هستند. نویسنده با استفاده از کنایه، مفاهیمی مانند عشق و انتخاب آن را مطرح میکند؛ اما در واقع ناتوانی انسان در برابر جبر سرنوشت، وراثت و شرایط اجتماعی را نشان میدهد. کنایه‌ها اغلب زمانی شکل میگیرند که شخصیتها به آینده‌ای بهتر دل میبندند، در حالی که خواننده از شکست حتمی آنها آگاه است. این تضاد کنایی، تلخی و ناامیدی حاکم بر جهان داستان را تشدید میکند و تأکید دارد که انسان در منطق ناتورالیسم، اسیر نیروهایی است که فراتر از ارادهٔ او عمل میکنند.

لایهٔ ایدئولوژیک

ایدئولوژی به قدری دارای قدرت است که میتواند بر ساختار و محتوای یک اثر ادبی چیرگی پیدا کند و هژمونی نرم یا سخت خود را برقرار سازد. در واقع، ایدئولوژی صاحب اثر باعث خلق آن اثر و جهت‌گیریهای سیاسی، فرهنگی،

دینی، اجتماعی و... میشود. دریافت ایدئولوژیهای موجود در متن هم از طریق توجه به ساختار متن و هم از راه تدقیق در مضمون اثر تولیدی امکان‌پذیر است. «تحلیلگران ایدئولوژی و گفتمان‌شناسی سعی بر آن دارند تا معنای متن و به ویژه ایدئولوژی را از طریق کشف روابط میان سازه‌های متن با بافت یا به تعبیری پیوند متن با زیرمتن تاریخی، سیاسی و اجتماعی تفسیر کنند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴۵). از دید زبان‌شناسان، «زبان در سطوح متفاوت، حامل ایدئولوژی است و به ایدئولوژی شکل میدهد و از آن سو از آن شکل می‌پذیرد. در نوشتار و گفتار هر گوینده‌ای نگرش شخصی و ذهنیت هستی‌شناختی، ارزشها، تلقیها، باورها، احساسات و پیش‌داوریهای زمانه وی به طور خودآگاه یا ناخودآگاه نمودار میشود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴۵). بنابراین، ارتباطی دوسویه میان زبان و ایدئولوژی برقرار است. در رمان زخم‌خوردگان تقدیر، عشق یکی از موضوعات مهم است، اما این عشق در بسیاری موارد عشق اجباری و تحت تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی است و کمتر جنبه رمانتیک و آزادانه دارد. این جریان نشان‌دهنده یکی دیگر از مؤلفه‌های ناتورالیسم در اثر است. مؤلفه‌های ناتورالیستی در این رمان عبارتند از:

الف. اعتقاد به سرنوشت اجباری و جبر تقدیر

در رمان زخم‌خوردگان تقدیر، اعتقاد به سرنوشت اجباری و قضا و قدر، محور اصلی داستان را با مؤلفه‌های ناتورالیسم در هم می‌آمیزد؛ شخصیتها مدام با شرایطی خارج از اراده خود روبرو میشوند که کوششهایشان در برابر نیروهای محیطی، اجتماعی و وراثتی بی‌اثر میماند و این، نمایشگر جبرگرایی حاکم بر جهان اثر است. همزمان، تلاش شخصیتها برای کنترل این سرنوشت از طریق اعمال نمادین مانند دعا و توبه دیده میشود، اما این اقدامات در تغییر تقدیر واقعی ناتوان باقی میمانند و صرفاً نمادی از امید واهی در برابر جبر حاکم هستند. این تضاد میان ایمان (توبه و دعا) و ناتوانی عملی، تلخی جهان‌بینی ناتورالیستی حاکم بر زندگی شخصیتها را برجسته میکند. شخصیت زن در این رمان کاملاً بازتاب‌دهنده این جهان‌بینی جبرگرای ناتورالیستی است؛ او زنی آسیب‌پذیر، درون‌گرا و سرشار از احساس گناه است که جهان‌بینیش بر محور قضا و قدر بنا شده و درد کشیدن را بخشی از سرنوشت خود میداند. عشق زنانه در این اثر همواره با رنج و از خودگذشتگی پیوند خورده و پشتوانه اصلی او در برابر مشکلات، نه قانون یا جامعه، بلکه ایمان و دعا است. او چالشهای اجتماعی را نتیجه تقدیر میداند، همانطور که در جایی اشاره میشود: «او نظام را مقصر نمیدانست و برای عمل پدرش نیز دلایل را کافی میدانست. با خود گفت این بازی تقدیر است و من نیز در این راه قربانی گشته‌ام» (رحیمی، ۱۳۷۷: ۱۱۵). این رویکرد، زن را به یک قربانی منفعل تبدیل میکند که سرنوشتش توسط نیروهای غیرقابل کنترل رقم خورده است.

ب. روابط عشق اجباری: نشانه‌ای از اسارت انسان به جبر اجتماعی و محیطی

در این رمان، روابط عاشقانه اغلب نتیجه فشارهای محیطی، وراثت، موقعیت اقتصادی و هنجارهای اجتماعی هستند، نه انتخاب آگاهانه و آزاد شخصیتها. افراد مجبورند با کسی همراه شوند که شرایط زندگی، خانواده یا جامعه برایشان تعیین کرده است؛ حتی اگر احساس واقعی قلبی نداشته باشند. این نوع عشق، جلوه‌ای از ناتوانی انسان در برابر نیروهای بیرونی و تقدیر است، جایی که اراده و خواست فرد جایگاهی ندارد.

از سوی دیگر، عشق اجباری به نویسنده امکان میدهد تا تلخی زندگی و تضاد میان احساسات انسانی و محدودیتهای اجتماعی را به تصویر بکشد. «تو مرا خریداری کرده‌ای و میتوانی جسم مرا به بند بکشی و تصاحب کنی اما قلب و روح مرا نمیتوانی به مالکیت خودت درآوری» (رحیمی، ۱۳۷۷: ۱۰۹). این نگاه ناتورالیستی عشق را به پدیده‌ای طبیعی و ناشی از فشار محیط و شرایط میداند، نه نتیجه انتخاب آزاد و اراده فرد. در نتیجه، عشق در این رمان نه

تجلی شور و هیجان، بلکه نشانه‌ای از اسارت انسان به جبر اجتماعی و محیطی است و با دیگر مؤلفه‌های ناتورالیسم همسو میشود.

شخصیت زن اصلی درگیر رابطه‌ای عاشقانه است که به بحران و شکست میانجامد، اما زن نه اعتراض میکند، نه مقاومت؛ سکوت میکند و رنج میکشد و قربانی میشود و همچنین خود را سرزنش میکند تا تطهیر شود. «عشقهای جوانی هم چون حباب روی آب ناپایدارند و من اینک درک میکنم که عشق راه رفتن روی یخ است و پشیمانم از اینکه یک روز دل شاعر یک لایق شيرازی بسته بودم» (همان: ۱۰۹).

پ. گفتمان ناتورالیستی مردسالار

در رمان زخم‌خوردگان تقدیر، جریان اصلی توانایی بالقوه زنان در برابر مردان، اما تسلیم شدن آنها به دلیل ظلم و ساختارهای اجتماعی مردسالار است. زنان شخصیت‌هایی با احساس، هوش و توانمندی هستند، اما محدودیتهای اجتماعی، نابرابری جنسیتی و فشارهای اقتصادی و خانوادگی، قدرت بالقوه آنها را مهار میکند. این تسلیم نه ضعف اخلاقی است، بلکه نتیجه جبر محیطی، اجتماعی و فرهنگی است. نویسنده نشان میدهد که زنان در فضای خشن جامعه، بیشتر واکنشی و آسیب‌پذیر هستند تا فعال و آزاد. این جریان با مؤلفه‌های ناتورالیسم همسو است، زیرا ناتورالیسم انسان را محصول نیروهای بیرونی میداند (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۱۸۹). زن در برابر مردانی قرار دارد که خشونت‌های فیزیکی، کلامی، روانی و جنسی را به واسطه قدرت انجام میدهند و مسئولیتی نسبت به زنان احساس نمیکنند. این رابطه نابرابر، احساس تسلیم و از دست دادن خصوصیات زنانه را در زنان میگذارد (همان: ۱۱۵). این جریان علاوه بر بیان تبعیض جنسیتی، تلخی و جبر زندگی را نیز تقویت میکند و با دیگر مؤلفه‌های ناتورالیسم مانند جبر اجتماعی، تقدیر محتوم و ناتوانی انسان در برابر نیروهای بیرونی همسو است.

ایدئولوژی اثر با تأکید بر جبرگرایی، جهانی را نشان میدهد که در آن انسان تحت سلطه نیروهایی مانند وراثت، فقر و شرایط تاریخی است. فرد نه قهرمان انتخاب‌گر، بلکه موجودی منفعل و آسیب‌پذیر است که بیشتر «تحمل میکند» تا «تصمیم بگیرد» (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۲۰۲). نفی خوش‌بینی اخلاقی و اجتماعی، نشان میدهد که آرمانهایی مانند عدالت و آزادی فردی توهم‌اند. شخصیتها هرچقدر تلاش کنند، در نهایت به شرایط تعیین‌شده بازمی‌گردند. این نگاه، بازتابی از ایدئولوژی ناتورالیستی است که انسان را محصول محیط میداند، نه سازنده آن (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۲۲۴). رنج انسان نتیجه ساختارهای اجتماعی و نیروهای غیرقابل کنترل است، نه ضعف یا انتخاب فردی.

نتیجه‌گیری

رمانهای عامه‌پسند، با وجود ساختار ساده و جذابیت داستانی، غالباً بر کشمکشهای عاطفی و اجتماعی تمرکز دارند و پایانشان لزوماً خوشبینانه نیست. این ویژگی، زمینه را برای رویکرد ناتورالیستی فراهم میکند؛ زیرا ناتورالیسم، انسان را محصول نیروهای جبری وراثت و محیط میداند، نه فاعل آزاد سرنوشت. رمان زخم‌خوردگان تقدیر نمونه برجسته‌ای از ادبیات ناتورالیستی زنانه است که محدودیتهای اجتماعی، تبعیض جنسیتی و تسلیم زنان در برابر ساختارهای مردسالارانه را تصویر میکند، بویژه با نمایش ناتوانی اراده فردی در مواجهه با جبر محیطی.

بررسی لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک این رمان، که تحلیل واژگانی نیز بخشی ضروری از آن است، نتایج مهمی به دست میدهد: در لایه واژگانی، استفاده از واژگان عینی، نشاندار و واقع‌گرایانه، تجربه‌ای ملموس از رنج و محدودیتهای شخصیتها ارائه میدهد که بازتاب نگرشهای ایدئولوژیک نویسنده است. در لایه بلاغی، کنایه بسامد قابل توجهی دارد و تشبیهها عمدتاً ساده و حسیند؛ این آرایه‌ها با کارکردهای زیبایی‌شناسانه و ایدئولوژیک، ناکامی

محتوم و تضاد میان امید و جبر را برجسته میسازند. از منظر ایدئولوژیک، نویسندهٔ رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر، با محوریت دغدغه‌های زنانه، گفتمان مردسالاری را نقد میکند، هرچند تلاش دارد جایگاه سنتی مرد و پدر را نیز حفظ کند. تلاش شخصیت‌ها برای غلبه بر این جبر با توسل به قضا و قدر یا توبه، کارکردی محدود دارد و بر اسارت انسان در برابر نیروهای بیرونی تأکید می‌ورزد.

استقبال گسترهٔ خوانندگان از رمان‌های عامه‌پسند مانند رمان *زخم‌خوردگان* تقدیر از تلفیق موفقیت‌آمیز عناصر جذب‌کننده سرچشمه میگیرد: روایت واقع‌گرایانه و تلخ‌ناتورالیستی، زبان ملموس (واژگان عینی و نشاندار) و تصاویر بلاغی قوی، که همه با پرداختن به مسائل محوری مانند عشق اجباری و محدودیتهای جنسیتی، کشش عاطفی و نقد اجتماعی را همزمان فراهم می‌آورند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه استخراج شده است. آقای دکتر مهیار علوی مقدم راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسندهٔ مسئول بوده‌اند. آقای دکتر محمود فیروزی مقدم و آقای دکتر علی صادقی‌منش بعنوان مشاوران و دانشجو سرکار خانم زهره تجدد پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریهٔ داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدهٔ نویسندهٔ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Askari, A., Pakroo, F., & Ardestani Rostami, H. R. (2024). "A Stylistic Analysis of Historical Romance Novels Based on a Look at the Historical Serial Novel *Hamuyeh* and Character Analysis of the Man in This Work." *Journal of Persian Language and Literature*, 15(54), 133-161.

- Bourdieu, P. (2002). *The Theory of Practice: Practical Reasons and Rational Choice* (M. Mardihā, Trans.). Tehran: Naqsh va Negar. (Original publication year may differ, 2002 is the year of the cited Persian translation).
- Falah, N., & Rezvani, A. (2020). "Examining Female Manifestations in Popular Novels with an Emphasis on Feminism (Focusing on Selected Works of Fahimeh Rahimi, Nasrin Tamseni, and Ftanah Haj-Seyyed Javadi)." *Journal of Women and Society*, 10(3), 187–214.
- Fotouhi, M. (2013). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Sokhan.
- Hosseini, M. (2018). *Literary Schools of the World* (1st ed.). Tehran: Fatemi.
- Kazemi, M. (2014). *Literary-Social Status Analysis and Critique of Popular Novels* (Unpublished Master's Thesis). University of Isfahan. (Supervisor: Z. Najafi).
- Lüscher, M. (1998). *The Psychology of Color* (M. Ravani Pour, Trans.). Tehran: Farhangestan Yadvareh Publications Institute. (Original publication year may differ, 1998 is the year of the cited Persian translation).
- Mokhtar Omar, A. (1997). *Lughat al-Lawn* (The Language of Color) (2nd ed.). Cairo: A'lam Kutub.
- Mirtazavi, S., Zohairi, B., & Moharrami, R. (2019). "A Comparative Study of the Female Character in the Works of Fahimeh Rahimi and Danielle Steel: A Case Study of the Novels *Panjereh* and *Tolou-e Eshgh*." *Journal of Cultural Psychology of Women*, 10(36), 55–74.
- Mir Sadeghi, J. (1999). *Elements of Fiction* (9th ed.). Tehran: Sokhan.
- Rasouli, Y., & Taheri, H. (2022). "Structural and Contentual Transformation Analysis of Popular Novels in Iran." *Journal of Contemporary Persian Literature*, 11(1), 103–129.
- Rahimi, F. (1999). *The Fated Wounded*. Tehran: Chakavak.
- Rezvani Boroujeni, A. (2012). *Critique and Analysis of Prominent Popular Novels by Fahimeh Rahimi, Nasrin Tamseni, and Zoya Pirzad* (Unpublished Master's Thesis). Vali-e Asr University of Rafsanjan. (Supervisor: N. Fallah).
- Shafiei Kadkani, M. R. (1988). *The Music of Poetry* (5th ed.). Tehran: Agah.
- Shamisa, S. (2007). *Stylistics of Poetry* (4th ed.). Tehran: Mitra.
- Sajjoudi, F. (2009). *Applied Semiotics*. Tehran: Nashr-e Elm.
- Sanati, N., Jahani, E., Chavoshian, H., & Sanati Sharghi, H. (2020). "Conceptual Space Investigation of Love in Iranian Popular Novels and Literature of the 80s (2000s)." *Journal of Sociology of Art and Literature*, 11(2), 63–81.
- Tahmaseb, M. T. (1998). *Stylistics* (3 Vols., 9th ed.). Tehran: Majid.
- Omranpour, M. R. (2010). "Aesthetic Aspects (Harmony) in Contemporary Poetry." *Journal of Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman*, 2, 159–187.

Fotouhi, M. (2013). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Sokhan.
Simpson, Paul. (2004) *Stylistics*, London: Routledge

فهرست منابع فارسی

- بهار، محمدتقی (۱۳۷۶). *سبک‌شناسی*، ج ۳، چاپ نهم، تهران: مجید.
- بورديو، پير (۱۳۸۰). *نظريه کنش: دلايل عملي و انتخاب عقلاني*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار
- حسینی، مریم (۱۳۹۶). *مکتب های ادبی جهان*، چاپ اول، تهران: فاطمی.
- رحیمی، فهیمه (۱۳۷۷). *زخم خوردگان تقدیر*، تهران: چکاوک.
- رسولی، یوسف و طاهری، حمید (۱۴۰۰). «بررسی و تحلیل تحولات ساختاری و محتوایی رمان‌های عامه‌پسند در ایران»، *مجله ادبیات پارسی معاصر*، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۰۳.
- رضوانی بروجنی، آیدا (۱۳۹۰). «نقد و تحلیل رمان‌های عامه‌پسند برجسته‌ای از فهیمه رحیمی، نسرين ثامنی و زویا پیرزاد» (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، استاد راهنما: نسرين فلاح سجودی، فرزاد (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: نشر علم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). *موسیقی شعر*، چاپ پنجم، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). *سبک‌شناسی شعر*. چاپ چهارم. تهران: میترا.
- صنعتی، نادر و جهانی، الهام و چاوشیان، حسن و صنعتی شرقی، حشمت (۱۳۹۸) «بررسی فضای مفهومی عشق در رمان‌های ایرانی عامه‌پسند و ادب دهه ۸۰»، *مجله جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۸۱-۶۳.
- عسکری، اکرم و پاکرو، فاطمه و اردستانی‌رستمی، حمیدرضا (۱۴۰۲). «تحلیل سبک‌شناسی رمان‌های پاورقی یا عامه‌پسند بر اساس نگاهی به رمان پاورقی تاریخی حمویه و بررسی شخصیت مرد در این اثر». *مجله زبان و ادب فارسی*، سال ۱۵، شماره ۵۴، صص ۱۶۱-۱۳۳.
- عمران‌پور، محمدرضا (۱۳۸۸). «جنبه‌های زیبایی‌شناسی (هماهنگی) در شعر معاصر»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، شماره ۲، صص ۱۸۷-۱۵۹.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
- فلاح، نسرين و رضوانی، آیدا (۱۳۹۸). «بررسی جلوه‌های زنانه در رمان‌های عامه‌پسند با تکیه بر فمینیسم (با تأکید بر آثار برگزیده فهیمه رحیمی، نسرين ثامنی و فتانه حاج‌سیدجوادی)»، *مجله زن و جامعه*، سال ۱۰، شماره ۳، صص ۲۱۴-۱۸۷.
- کاظمی، مینا (۱۳۹۲). *تحلیل و نقد جایگاه ادبی - اجتماعی رمان‌های عامه‌پسند*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، استاد راهنما: زهره نجفی.
- لوشر، ماکس (۱۳۷۶). *روان‌شناسی و رنگ‌ها*، ترجمه منیرو روانی پور، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات فرهنگستان یادواره

مرتضوی، شورانگیز وظهیری، بیژن و محرمی، رامین (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی شخصیت زن در آثار فهیمه رحیمی و دانیل استیل مطالعه موردی: رمان پنجره و رمان طلوع عشق»، *مجلهٔ روان‌شناسی فرهنگی زن*، دوره ۱۰، شمارهٔ ۳۶، صص ۷۴-۵۵.

-میرصادقی، جمال (۱۳۷۸ الف). عناصر داستان. چاپ نهم. تهران: سخن.

-مختار عمر، احمد (۱۹۹۷). *اللغه اللون، الطبعه الثانيه، القاهره: اعلام کتب.*

Simpson, Paul. (2004) *Stylistics*, London: Routledge

معرفی نویسندگان

زهره تاجدود: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
۰۷۸۲-۰۱۷۰-۰۰۰۹-۰۰۰۹

(Email: z.tajaddod@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0009-0170-0782)

مهیار علوی مقدم: گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(Email: m.alavi.m@hsu.ac.ir : نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0001-5850-8657)

محمود فیروزی مقدم: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

(Email: m.firouzi@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-0705-2482)

علی صادقی منش: گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(Email: a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-0655-2311)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Zohre Tajaddod: Department of Linguistics, Toh.C, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran.
(Email: tajaddod@gmail.com)
(ORCID: 0009-0009-0170-0782)

Mahyar Alavi Moghaddam: Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.
(Email: m.alavi.m@hsu.ac.ir : Responsible author)
(ORCID:)

Mahmoud Firouzi Moghaddam: Department of Linguistics, Toh.C, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran.
(Email: firouzimoghaddam@gmail.com)
(ORCID:)

Ali Sadeghimanesh: Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.
(Email: a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir)
(ORCID:)